

جلسه چهارم: شکر (قسمت اول)

شکوه به جای شکر

یکی از صفات ارزشمندی که در آیات و روایات و سیره معصومین : مورد تاکید فراوان قرار گرفته صفت شکر است. گاهی انسان مشاهده می کند به جای شکر در بین بعضی از مردم شکوه زیاد است، ناسپاسی زیاد است. وقتی از وضعیت زندگی این افراد سؤال می شود به طور دائم ناله و جزع می کنند. این همان چیزی است که قرآن به شدت آن را مذمت کرده است. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً * وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً» - به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است * هنگامی که بدی به او رسد بیتابی می کند * و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود (و بخل می ورزد)» (معارج/ ۱۹ تا ۲۱) انسان سه ویژگی دارد: هلوع، جزوع و منوع. هلوع معنای حریص است، بعضی انسان ها حریصند تا گرفتار می شوند فریاد می زنند. (جزوع از «جَزَع» به معنای فریاد است). فراموش می کنند خدا چه نعمتهایی به آن ها داده است. اما وقتی اوضاع شان خوب می شود، به جای این که اتفاق کنند و به دیگران رسیدگی نمایند، منع می کنند.

موضوعات شکر در قرآن

آیات قرآن درباره شکر به چند دسته تقسیم می شود

۱- امر به شکر: بعضی از این آیات امر به شکر است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِتَّاهَ تَعْبُدُونَ» - ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید، اگر او را پرستش می کنید» (بقره/ ۱۷۲) پس خبائث و زشتی ها را باید کنار گذاشت نه این که کسی شراب بخورد یا سرقت کند بعد بگوید الحمد لله رب العالمین. باید پاکیزه و حلال باشد. شکر کنید اگر خدا پرستید.

۲- انتظار شکر: دسته دوم آیاتی است که انتظار شکر را مطرح می کنند. می گوید شما شاید با این ویژگی شاکر باشید. «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» - سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم؛ شاید شکر (نعمت او را) بجا آورید». (بقره/ ۵۶) این «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» در قرآن بارها تکرار شده است. این شاید شاکر باشید به این معناست که بلکه به فکر بیفتید انگیزه ای در شما ایجاد بشود و خدا را سپاس بگویید.

۳- گله از کم شکری: در قرآن مطالبی را بیان می فرماید و سپس از کم شکری گله می کند: «أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» (بقره/ ۲۴۳ - یوسف ۳۸ - غافر/ ۶۱) و یا «قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ/ ۱۳) و یا «أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ» (یونس/ ۶۰ - نمل/ ۷۳)

۴- آثار شکر: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» - اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود». (إبراهیم/ ۷)

۵- تقاضای توفیق شکر: این که ما از خدا بخواهیم به ما توفیق شکر بدهد.

«رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ - پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم». (احقاف/۱۵)

مانند همین عبارت در آیه ۱۹ سوره نمل از زبان حضرت سلیمان ۷ نقل شده است که آن حضرت می‌گفت: «رَبِّ أَوْزِعْنِي...» خدایا به من توفیق بده، الهام کن، خودت به دلم بینداز، که من سپاس‌گذار و شاکر نعمت‌های تو باشم.

۶- خداوند شاکران را ستایش می‌کند: در بعضی از آیات قرآن خداوند از بعضی از بندگان به دلیل شکرگذار بودن تعریف می‌کند. مثل آیه‌هایی که می‌فرماید سلیمان نبی نعمت‌هایی که به او داده بودیم را می‌گفت این‌ها لطف خداست تا مرا امتحان کند آیا من شاکر هستم یا کفران می‌کنم. «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيُثَبِّتُنِي عَلَيْهَا أَفَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ» (نمل/۴۰)

کفران نعمت - ندیدن نعمت‌ها

ما خیلی از اوقات نعمت‌های الهی را نادیده می‌گیریم. از ابو هاشم جعفری روایت شده است که گفت: تنگدستی سختی بر من عارض شد، از این رو نزد امام هادی ۷ رفتم، چون بنشستم فرمود: «ای ابا هاشم می‌خواهی کدام نعمت از نعمت‌هایی را که خدا به تو بخشیده است شکر گوئی؟» در این حال من سر به زیر افکندم و خاموش ماندم، زیرا نمی‌دانستم که در جواب آن امام چه بگویم، پس فرمود: «خداوند عزّ و جلّ ایمان را نصیب تو ساخت، از این رو بدنت را بر دوزخ حرام ساخت، و سلامت را روزیت کرد، از این رو تو را در طاعت خود یاری فرمود؛ و قناعت را بهره‌ تو فرمود و از این رو تو را از بی‌آبرویی مصون داشت، ای ابا هاشم، من از این رو بر این‌گونه با تو آغاز سخن کردم که گمان بردم که تو می‌خواهی از کسی که این چنین با تو رفتار کرده است نزد من شکایت کنی، اکنون امر کرده‌ام که صد دینار در اختیار تو قرار دهند، پس آن را بستان». (من لایحضره الفقیه؛ ج ۴ ص ۴۰۱)

برخی از اوقات نعمت‌های خدا را نادیده می‌گیریم. این روزها کمتر کسی از گرانی می‌گوید، چون اگر همه ثروت‌های دنیا هم برای شما باشد نمی‌توانید با این بیماری در بیفتید و سلامتی را به دست آورید. برای همین در روایات آمده که سلامت و امنیت دو نعمتی است که مردم قدرش را نمی‌دانند.

ما خیلی از اوقات نعمت را نمی‌بینیم. وقتی زلزله می‌شود توجه به نعمت امنیت می‌کنیم، وقتی یک ویروسی می‌آید توجه به نعمت سلامت می‌کنیم. بلا خودش یک عاملی است برای یادآوری نعمت. در قرآن مکرر آمده «وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ» (یا عباراتی نزدیک به این). بسیاری از اقوام در طول تاریخ به‌خاطر کفران نعمت نابود شدند. ناشکری هم فقط این نیست که انسان به زبان نگوید، بلکه بخش عمده‌اش عملی است. اسراف، نعمت را در مسیر غلط مصرف کردن، و... کفران نعمت است.